



دانشگاه سلمان فارسی کازرون

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بررسی رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی ادب فارسی  
(قرن چهارم تا هفتم)

به وسیله‌ی

شهناز باصری

استاد راهنما:

دکتر خیرالله محمودی

مهرماه ۱۳۹۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

## اظهارنامه

اینجانب شهناز باصری (۸۷۰۰۱۸) دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی مرکز آموزش عالی کازرون اظهار می‌کنم که این پایان نامه حاصل تلاش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: شهناز باصری

تاریخ و امضاء: ۹۰/۷/۳

به نام خدا

بررسی رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی ادب فارسی  
(قرن چهارم تا هفتم)

به کوشش

شهناز باصری

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های تحصیلی  
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه‌ی عالی

دکتر خیرالله محمودی، استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)

دکتر محتشم محمدی، استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی

دکتر زیبا قلاوندی، استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی

مهرماه ۹۰

تقدیم به:

روح پدرار جنمدم که نام نیکش همواره مایه‌ی فخر و مباهاتم بوده است.  
مادر مهربانم که تاکنون به‌پشتوانه‌ی دعای خیرش زندگی کرده‌ام.  
روح بزرگوار همسر صبورم که تمامی اش را بر راه پیشرفت من نثار کرد.  
و فرزندان عزیزم که با حمایت خود از قصورم در انجام وظایف مادری گذشتند.

## سپاسگزاری

حمد و ستایش یگانه ای راست که آموخت به انسان، آنچه نمی دانست.  
به شکرانه ی توفیق گام نهادن به وادی دانش و معرفت، سر برآستان جلال و جمالش می  
سایم و باز هم به درگاهش به نیاز می آیم.  
سپاس می گزارم و پاس می دارم زحمات ارزنده ی استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای  
دکتر خیراله محمودی را که همواره با وسعت وجود خویش و گشاده رویی، پاسخگوی سؤالات  
بسیارم بودند.  
و قدر دانی و تشکر می نمایم از استاد مشاوران بزرگووارم جناب آقای دکتر محتشم  
محمدی و خانم دکتر زیبا قلاوندی که با راهنمایی های عالمانه و دلسوزانه ی خود در غنای  
این رساله یاریم نمودند.  
از درگاه آن بی نیاز و بی همتا، برای ایشان و همه ی عزیزانی که در مدت تحصیل و انجام  
این پژوهش راهنما و یارم بوده اند سلامت و عزت مسئلت دارم.

## چکیده

### بررسی رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی ادب فارسی

(قرن چهارم تا هفتم)

به کوشش

شهناز باصری

غم و اندوه از هیجانات غریزی انسان و سوگواری یکی از مصادیق مهم آداب و رسوم و باورها در میان فرهنگهاست که به طور شفاف در اغلب متون ادبی هر ملت منعکس شده است. گریستن، رفتارهای فیزیکی و کاربرد رنگهای خاص از مهمترین مظاهر سوگواریها از گذشته‌های دور تا کنون بوده است. درست است که وظیفه‌ی لباس و پوشش در آغاز فقط حفظ انسانها از سرما و گرما بوده است اما بعدها لباس به عنوان جزئی از فرهنگ اقوام، وظایف دیگری را نیز عهده دار می‌شود. به طوری که کم‌کم به کاربرد طرح و رنگ خاص لباس در شادیها و غمها اکتفا نمی‌شود و لباس‌ها و رنگ‌ها حتی به حوزه‌ی سیاست نیز وارد می‌شوند. در این پژوهش سعی شده است رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی ادب فارسی (قرن ۴-۷) مورد بررسی قرار گیرد. به خصوص آنکه در برخی از این متون تفاوت چشم‌گیری میان رنگ سوگواریها دیده می‌شود. مثلاً با آنکه تمامی متون برجسته‌ی به جا مانده از قرن چهارم و حتی قرن‌های بعد رنگ‌های تیره بخصوص رنگ سیاه را رنگ ماتم دانسته‌اند تاریخ بیهقی از رنگ سفید به عنوان رنگ سوگواری یاد کرده است. ریشه‌یابی علل این تفاوتها از مهمترین اهداف این پژوهش است.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: مقدمه</b>	
۳	۱-۱- پیشینه‌ی تحقیق.....
۴	۲-۱- فرضیه یا سؤالات تحقیق.....
۴	۳-۱- اهداف تحقیق.....
۵	۴-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....
۷	۵-۱- شیوه‌ی انجام تحقیق.....
۷	۶-۱- تعاریف.....
۷	۱-۶-۱- تعریف سوگ و سوگواری.....
۸	۲-۶-۱- تعریف رنگ.....
<b>فصل دوم: مبانی سوگ و سوگواری</b>	
۱۰	۱-۲- سوگواری از دیدگاه روانشناسی.....
۱۲	۲-۲- سوگواری از دیدگاه اسطوره.....
۱۳	۱-۲-۲- ایلپاد.....
۱۴	۲-۲-۲- شاهنامه.....
۱۸	۳-۲- سوگواری از دیدگاه دین.....
۱۸	۱-۳-۲- آیین زرتشتی.....
۲۰	۲-۳-۲- دین اسلام.....
۲۰	۱-۲-۳-۲- قرآن و سیره‌ی پیامبر(ص).....
۲۲	۲-۲-۳-۲- عاشورا عظیم‌ترین جلوه‌ی سوگواری در اسلام.....
۲۳	۱-۲-۳-۲- واقعه‌ی عاشورا و سوگواری در ایران.....
۲۴	۲-۲-۲-۳-۲- اهل بیت (ع) نخستین سوگواران عاشورا.....
۲۷	۳-۲-۲-۳-۲- آل بویه و رسمیت بخشیدن به سوگواری عاشورا.....

- ۳۰ ..... ۲-۳-۲-۴- اهداف آل بویه از رسمیت بخشیدن به عزاداری عاشورا.....
- ۳۰ ..... ۲-۴- سوگواری از دیدگاه تاریخ ایران قبل از اسلام.....
- ۳۲ ..... ۲-۴-۱- اعراب قبل از اسلام.....

### فصل سوم: مظاهر سوگواری

- ۳۵ ..... ۳-۱-۱- مظاهر سوگواری.....
- ۳۵ ..... ۳-۱-۱- مدت ایام سوگواری.....
- ۳۷ ..... ۳-۱-۲- گریستن.....
- ۳۸ ..... ۳-۱-۳- خاک بر سر ریختن و جامه دریدن.....
- ۳۹ ..... ۳-۱-۴- روی خراشیدن و گوشت تن و موی کندن.....
- ۳۹ ..... ۳-۱-۵- باز کردن و بریدن موی.....
- ۴۰ ..... ۳-۱-۶- آتش زدن دارایی و سرا.....
- ۴۰ ..... ۳-۱-۷- یال و دم اسب بریدن و زین و کوس نگونسار نهادن.....
- ۴۱ ..... ۳-۱-۸- پوشیدن لباس تیره (غالباً سیاه).....
- ۴۱ ..... ۳-۱-۹- موارد دیگر.....

### فصل چهارم: نقش لباس و رنگها در زندگی

- ۴۴ ..... ۴-۱-۱- نقش لباس در زندگی انسان.....
- ۴۷ ..... ۴-۲- رنگها.....
- ۴۸ ..... ۴-۲-۱- سیاه.....
- ۴۸ ..... ۴-۲-۲- سفید.....
- ۴۹ ..... ۴-۲-۳- آبی (فیروزه).....
- ۴۹ ..... ۴-۲-۴- سبز.....
- ۴۹ ..... ۴-۲-۵- قرمز (سرخ).....

### فصل پنجم: رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی قرن چهارم و نیمه اول قرن

#### پنجم

- ۵۲ ..... ۵-۱-۱- اوضاع سیاسی، اجتماعی و دینی و ادبی ایران در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم.....

## عنوان

## صفحه

۵۲	۱-۱-۵- وضع سیاسی و اجتماعی.....
۵۳	۲-۱-۵- وضع دینی.....
۵۳	۳-۱-۵- وضع ادبی.....
۵۴	۲-۲-۵- رودکی پدر شعر فارسی.....
۵۵	۱-۲-۵- کسایی مروزی.....
۵۶	۲-۲-۵- فردوسی.....
۵۷	۳-۲-۵- فرخی سیستانی.....
۵۸	۴-۲-۵- ابوالفضل بیهقی.....

### فصل ششم: رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی نیمه‌ی دوم قرن پنجم

#### و قرن ششم

#### ۱-۶- اوضاع سیاسی، اجتماعی و دینی و ادبی ایران در نیمه‌ی دوم قرن پنجم و

۶۲	قرن ششم.....
۶۲	۱-۱-۶- وضع سیاسی و اجتماعی.....
۶۳	۲-۱-۶- وضع دینی.....
۶۳	۳-۱-۶- وضع ادبی.....
۶۴	۲-۲-۶- بررسی متون برجسته‌ی ادبی نیمه‌ی دوم قرن پنجم و قرن ششم.....
۶۴	۱-۲-۶- ناصر خسرو.....
۶۴	۲-۲-۶- محمد غزالی.....
۶۵	۳-۲-۶- خاقانی.....
۶۷	۴-۲-۶- نظامی.....
۶۷	۱-۴-۲-۶- خسرو و شیرین.....
۶۷	۲-۴-۳-۶- هفت پیکر.....
۷۲	۵-۳-۶- عطار.....
۷۲	۱-۵-۳-۶- منطق الطیر.....
۷۳	۲-۵-۳-۶- دیوان.....

### فصل هفتم: رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی قرن هفتم

۷۵	۱-۷- اوضاع سیاسی، اجتماعی و دینی و ادبی ایران در قرن هفتم.....
----	--

۷۵	۱-۱-۷- وضع سیاسی و اجتماعی.....
۷۶	۲-۱-۷- وضع دینی.....
۷۶	۳-۱-۷- وضع ادبی.....
۷۷	۲-۷- رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی قرن هفتم.....
۷۷	۱-۲-۷- مولوی.....
۷۸	۲-۲-۷- سعدی.....
۷۹	۳-۲-۷- عظاملک جوینی.....

### فصل هشتم: بررسی پیشینه‌ی رنگ سوگواری در اسطوره، دین و تاریخ

۸۴	۱-۸- رنگ سوگواری از دیدگاه اسطوره.....
۸۵	۱-۱-۸- ایلید.....
۸۵	۲-۱-۸- شاهنامه.....
۸۷	۲-۸- رنگ سوگواری از دیدگاه دین.....
۸۷	۱-۲-۸- آیین زرتشتی.....
۹۰	۲-۲-۸- دین اسلام.....
۹۱	۳-۸- رنگ سوگواری از دیدگاه تاریخ.....
۹۱	۱-۳-۸- ایران قبل از اسلام.....
۹۴	۲-۳-۸- ایران بعد از اسلام.....
۹۴	۱-۲-۳-۸- دوره‌ی ایرانی - عربی.....
۹۷	۲-۲-۳-۸- دوره‌ی ایرانی - ترکی.....

### فصل نهم: بررسی و تحلیل علل تضاد رنگ سوگواری در برخی از متون برجسته‌ی قرن (۴-۷)

۹۹	۱-۹- بررسی و تحلیل علل تضاد رنگ سوگواری در تاریخ بیهقی با سایر متون برجسته‌ی قرن (۴-۷).....
۹۹	۱-۱-۹- تصویری کلی از رنگ سوگواری در شرق و غرب.....
۱۰۱	۲-۱-۹- جایگاه فرهنگ ایرانیان.....
۱۰۲	۲-۹- بررسی علل تضاد رنگ سوگواری در تاریخ بیهقی با سایر متون.....
۱۰۲	۱-۲-۹- سفید پوشی مسعود.....

## عنوان

## صفحه

۱۰۵	۲-۲-۹- ریشه‌یابی سفیدپوشی مسعود.....
۱۰۶	۳-۲-۹- سفید پوشی مأمون.....
۱۰۸	۴-۲-۹- عباسیان و شعار سیاه.....
۱۰۹	۵-۲-۹- سفید شعار مخالفان عباسیان.....
۱۱۴	۶-۲-۹- پاسخ نهایی.....

### فصل دهم: نتیجه گیری

۱۱۷	۱-۱۰- نتیجه‌گیری.....
-----	-----------------------

۱۱۹	فهرست منابع و مأخذ.....
-----	-------------------------

# فصل اول

## مقدمه

فرهنگ‌های بشری چیزی جز تجلی مجموعه‌ی باورها، اعتقادات، آرمان‌ها، عواطف و احساسات و...ملتها نیستند. آداب و رسومهای هر ملت، در حقیقت انعکاسی هستند از همین مجموعه. آداب و رسوم که همواره گام به گام در مسیر زندگی با هر ملتی در حرکتند. اگرچه بایشرفت جوامع بشری، این آداب و رسوم بیشتر دستخوش تحول و دگرگونی می گردند اما اصل آنها هیچ‌گاه از همراهی بشر جا نمانده و همواره با او زندگی کرده است.

در اغلب فرهنگهای بشری، سوگ و سوگواری یکی از بسترهای مهم پیدایش آداب و رسوم های ویژه بوده است. این آداب و رسومها برحسب باورها و اعتقادات، ادیان، موقعیت جغرافیایی و حتی منزلت اجتماعی فرد متوفی و... با هم تفاوتهایی داشته اند. یکی از مظاهر برجسته‌ی سوگواری در جوامع مختلف، پوشش رنگی خاص در سوگواریها بوده و هست. سیاه و سفید از مهمترین رنگهایی است که در جوامع بشری به عنوان رنگ سوگواری به کار برده می شوند و انتخاب هر یک از این رنگها ارتباط مستقیمی با نوع نگرش هر ملت به مسئله‌ی مرگ و جهان هستی دارد.

از آنجا که در انعکاس باورها و اعتقادات و فرهنگ ملتها ادبیات بیشترین و مهمترین نقش را عهده دار است و از سویی در برخی از متون ادب فارسی تضادهایی در رنگ سوگواری دیده می‌شود، برآنیم تا در این پژوهش علاوه بر بررسی رنگ سوگواری در فرهنگ ملت دیرین ایران، بر اساس متون برجسته‌ی ادبی (قرن ۷-۴) تضادهای موجود و ریشه‌های آن را نیز مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

اگرچه هدف ما در این تحقیق بررسی رنگ سوگواری در متون برجسته‌ی ادب فارسی قرن چهارم تا هفتم هجری است اما بدیهی است که بدون بررسی مبانی سوگ و سوگواری از دیدگاههای مختلف و مظاهر و جلوه‌های آن نمی‌توان به مبحث رنگ سوگواری وارد شد زیرا رنگ سوگواری یکی از مظاهر سوگواری و در حقیقت عکس‌العملی به سوگ است. به همین منظور ابتدا مبانی سوگ و سوگواری از دیدگاههای روانشناسی، دین و تاریخ و مظاهر سوگواری بررسی می‌شود و سپس رنگ سوگواری در متون یاد شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در فصل اول این رساله مقدمه و کلیاتی در مورد فرهنگ و آداب و رسوم، سوگواری و رنگ آن، پیشینه اهداف تحقیق و اهمیت آن و تعریف سوگ و سوگواری و رنگ را آورده‌ایم.

در فصل دوم سوگواری را از دیدگاه اسطوره، دین و تاریخ بررسی کرده‌ایم.

در فصل سوم مظاهر سوگواری پرداخته و از هر یک شواهدی ذکر شده است.

فصل چهارم به نقش لباس و رنگها می‌پردازد.

در فصل پنجم با ذکر مختصری از اوضاع عمومی آن دوره به بررسی متون برجسته‌ی ادبی قرن چهارم و پنجم پرداخته ایم که در حقیقت بحث اصلی پژوهش با آن آغاز می‌شود.

در فصل ششم هم پس از پرداختن به اوضاع عمومی، متون قرن ششم را بررسی کرده‌ایم.

فصل هفتم نیز پس از ذکر اوضاع عمومی، به بررسی متون برجسته‌ی قرن هفتم پرداخته است.

در فصل هشتم به منظور تحلیل تضادهای موجود در رنگ سوگواری در برخی از متون یاد شده، رنگ سوگواری را از دیدگاه اسطوره، ادیان و تاریخ بررسی کرده‌ایم.

فصل نهم مهم‌ترین بخش پژوهش و تحلیل داده‌ها و رسیدن به نتیجه‌ی کلی و نهایی است.

و در فصل دهم با نتیجه‌گیری پژوهش پایان یافته است.

## ۱-۱- پیشینه‌ی تحقیق

در باب بررسی سوگواری و رنگ آن در متون برجسته‌ی ادبی (قرن ۷-۴) به طور جامع و با این عنوان خاص، تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است و یا حداقل ما هر چه جستیم، نیافته ایم اما در لابلای برخی آثار و نوشته‌ها و پژوهشهای انجام شده، مباحثی جزئی به این موضوعات اختصاص یافته و به صورت جسته و گریخته اشاراتی به آنها شده است که بیشتر جنبه‌ی معرفی دارند. از جمله در کتاب «پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله‌ی مغول» از محمدرضا چیت ساز. در این کتاب بیشتر به طرح و نوع لباسها پرداخته شده و در باب رنگ سوگواری در هر عصر اشارتی گذرا رفته است. مثلاً در مورد رنگ سوگواری در عصر غزنوی می‌خوانیم: «همچون بسیاری از دوره‌های دیگر جامه‌ی سیاه و نیز جامه‌ی کبود، رنگ جامه‌های مصیبت و سوگواری



بودند اما گاه از جامه‌ی سفید هم استفاده می‌شد. چنانکه مسعود غزنوی در مرگ پدرش ردا و دستاری سفید پوشید...» (چیت ساز ۱۳۷۹، ص ۲۸۷).  
حتی خطیب رهبر هم در توضیح همین موضوع می‌نویسد: «چنانکه پیداست در مراسم تعزیت و سوگواری رسمی، جامه‌ی سفید می‌پوشیدند نه سیاه.» (خطیب رهبر، ۱۳۸۵، ص ۵۵۳).

در کتاب «سرزمین و مردم ایران» از عبدالحسین سعیدیان، در کنار مردم‌شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی، اشاراتی مختصر نیز به سوگواریها شده است. علاوه بر موارد یاد شده برخی پژوهش‌ها نیز، به یک اثر ادبی خاص پرداخته که سوگواری هم یکی از مباحث آنهاست و یا اشاره ای جزئی به آن شده است. از جمله کتاب آیین جنگ در شاهنامه» از سید کاظم موسوی و یا مقالاتی چون «بررسی عنصر رنگ در هفت پیکر» از زرین تاج واردی و یا پایان نامه‌هایی چون «بررسی عنصر رنگ و جلوه‌های آن در شاهنامه» از لیلا احمدیان.

## ۱-۲- فرضیه یا سؤالات پژوهش

در پرداختن به موضوعات مطرح شده، بر آنیم تا در این پژوهش، به پاسخ سؤالات زیر دست یابیم:

- ۱- سوگ و سوگواری ریشه در فطرت و طبیعت انسانها دارد یا در فرهنگ و اجتماع؟
- ۲- سیاهپوشی ایرانیان در مراسم سوگواری، همانگونه که امروزه نیز چنین است، ریشه در فرهنگ اصیل و کهن قبل از اسلام آنان دارد یا برگرفته از فرهنگ اعراب مسلمان است؟
- ۳- علت تضاد رنگ سوگواری در برخی از متون ادب فارسی در چیست؟

## ۱-۳- اهداف تحقیق

- الف- شناسایی مبانی سوگواری و بررسی آن از چند دیدگاه
- ب- بررسی مظاهر سوگواری و رنگ آن و تحلیل آنها بر اساس متون مورد پژوهش  
ما
- ج- بررسی ریشه‌ی سوگواری عاشورا و سیاهپوشی در آن، به عنوان بزرگترین

جلوه‌ی سوگواری در فرهنگ ایران بعد از اسلام و تأثیر احتمالی آن بر سوگواری و سیاهپوشی در ایران

د- بررسی و تحلیل علل تضاد رنگ سوگواری در برخی متون برجسته‌ی ادبی قرن (۴-۷)

#### ۴-۱- اهمیت و ارزش تحقیق

ادبیات هر ملت گنجینه‌ی ای است که آزاد از دیوار کاخ‌ها، در سینه و عمق جان توده‌های مردم جای گرفته و فرهنگ و آداب و رسوم، باورها و اعتقادات هر قوم را در خود حفظ کرده است.

مهم‌ترین اصل در زندگی هر جامعه و هر انسانی، شناخت هویت و موجودیت خویش است. جامعه و انسانی که در هویت و موجودیت خود تردید کند و با خود بیگانه شود، چگونه می‌تواند به آینده امیدوار باشد؟ و برای جستن هویت و موجودیت هر ملت کدامین منبع شفاف‌تر و استوارتر از ادبیات، به پرسش‌های هر نسل پاسخ خواهد گفت؟

وقتی در تحلیل و نقد داستان رستم و اسفندیار مهمترین پیام و درون‌مایه‌ی این داستان را نفی اسارت و پاس آزادی می‌دانیم ولو اینکه رقیب، رویین‌تن و مقدس باشد:

بدیدار تو رامش جان کنم	زمن هرچه خواهی تو فرمان کنم
شکستی بود زشتکاری بود	مگر بند کز بند عاری بود
که روشن روانم برین است و بس	نبیند مرا زنده با بند کس

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۳۳۳)

چرا مهمترین درون‌مایه‌ی داستان رستم و سهراب را شناخت هویت و موجودیت خود نشماریم؟ حتی اگر این شناسایی به مرگ بینجامد؛ سهراب پس از آنکه می‌بالد و خویشتن را می‌نگرد:

بدو گفت گستاخ با من بگوی	بر مادر آمد پرسید زوی
همی باسماں اندر آید سرم	که من چون زهمشیرگان برترم
چه گویم چو پرسد کسی از پدر	ز تخم کیم وز کدامین گهر
نمانم تو را زنده اندر جهان	گر این پرسش از من بماند نهان
بدین شادمان باش و تندی مکن	بدو گفت مادر که بشنو سخن

تو پور گو پیلتن رستمی      زدستان سامی و از نیرمی  
ازیرا سرت زآسمان برتر است      که تخم تو زان نامور گوهر است  
(همان: ۹۹)

نسل امروز ما جویای حقیقت است می‌پرسد و حق دارد بپرسد. او از اموری می‌پرسد که نزد ما پذیرفته شده و بدیهی بوده است. او در میان شبهاتی که از هر سو و از هر کس به ذهنش هجوم می‌آورد دستان خویش را بر سر گذاشته و فریاد برآورده پاسخ می‌طلبد. و این وظیفه‌ی ماست که خود بدانیم و به او هم بگوییم.

غناى فرهنگ و تمدن ریشه دار ایرانی بر هیچ پژوهشگر منصفی پوشیده نیست. فرهنگ و تمدنی که مرهون و مدیون مردان و زنانی است که در این سرزمین زیستند و برای حفظ آن جان‌ها باختند. شناخت و شناساندن این فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهایش به نسل‌های آینده واجب کفایی نمی‌شناسد. اگر توده‌ی مردم با تعلیم و تربیت، سنتها و ارزشها را به آنان می‌آموزند وظیفه‌ی قلم به دستان است تا راز این هنجارها و آداب و رسومها را بیابند و به آنان هم نشان دهند.

امروزه سنت گریزی و هنجار ستیزی نسل جوان واقعیتی است که هیچ واقع‌بینی منکر آن نیست. هنجارها و ارزشهایی که یکی پس از دیگری زیر سؤال رفته و پایمال می‌شود. وقتی ریشه‌ی هنجارها و ارزشهای فرهنگی خشکانده شد هر چه با شاخ و برگ‌های رنگارنگ و مصنوعی تزئین شود هرگز طراوت و خنکای سایه‌ی آن درخت کهنسال و سترگ را نخواهد داشت و با اندک نسیمی لخت و با کوچک جرقه‌ای دود خواهد شد.

آداب و رسوم هر جامعه بخش مهمی از فرهنگ آن جامعه است و جشن‌ها و سوگواری‌ها بخشی از این آداب و رسوم. شاید امروزه بسیاری بر این باورند که سوگواری و سیاه پوشی امری خرافی است و یا از فرهنگ اعراب و تحت تأثیر سوگواری عاشورا، وارد فرهنگ ما شده‌اند. هدف ما در این پژوهش رسیدن به پاسخ سؤالهایی است که در این زمینه مطرح می‌شود.

در برخی از پژوهش‌هایی که قبلاً به آن اشاره کردیم همه خواننده‌اند که مثلاً رنگ سوگواری در فلان عصر سیاه بوده است اما در عصر فلان سفید هم می‌پوشیده‌اند اما چرا؟ کسی نمی‌داند و یا کسی دنبال آن نرفته است. هر خواننده‌ای که چرایی این موضوع برایش مهم باشد ابتدا ذهنش یا به رسم هندوان متمایل می‌شود یا به آیین زرتشتی. پاسخ این سؤال از وظایف حوزه‌ی ادبیات است چرا که این مطلب (سفید پوشی در سوگواری) در منابع ادبی ذکر شده است و ما امیدواریم بتوانیم در این پژوهش به پاسخی منطقی و قابل قبول دست یابیم.

## ۱-۵- شیوهی انجام تحقیق

روش تحقیق اسنادی و تحلیل محتواست. ابتدا منابع مربوط به موضوع تحقیق بررسی و منابع حاوی اطلاعات مورد نظر برگزیده و بررسی می‌شود و سپس اطلاعات فراهم آمده تجزیه و تحلیل می‌گردد. موضوع بندی تحقیق نیز براساس روش تحلیلی صورت می‌گیرد و مطالب تدوین می‌گردد. تحلیل محتوا شیوهی اساسی در این تحقیق است.

## ۱-۶- تعاریف

### ۱-۶-۱- سوگ و سوگواری

در میان اقوام و ملل مختلف جهان، شاید کمتر قوم و ملتی باشد که واژه‌ای معادل سوگ و سوگواری در میان آنان کاربرد نداشته باشد.

در فرهنگ و زبان فارسی در توضیح واژه‌های سوگ و سوگیدن آمده است: «صاحب ماتم و گریستن، ناله و زاری (لغ: ۱۳۷۷)

در کتاب خلاصه‌ی روان پزشکی می‌خوانیم که سوگ (grief) به احساس‌های ذهنی که به وسیله‌ی مرگ عزیزان پدید آمده است گفته می‌شود. این اصطلاح با سوگواری (mourning) به صورت مترادف به کار برده می‌شود. با این حال، سوگواری به مفهوم دقیق‌تر به فرایند انحلال سوگ اطلاق می‌گردد و در واقع ابراز اجتماعی رفتار و اعمال پس از داغدیدگی است.

تظاهر به سوگ به هنجارها و انتظارات فرهنگی (مثلاً در بعضی از فرهنگها ابراز هیجان شدید مطلوب است در حالی که در فرهنگ‌هایی دیگر عکس آن انتظار می‌رود) و موقعیت‌های فقدان (مثلاً مرگ غیرمنتظره در مقابل مرگی که به وضوح انتظار آن میرفت) بستگی دارد و طیف وسیعی از هیجانات را در بر می‌گیرد. (ساودک، ۱۳۸۲: ۸۱-۸۲)

از اینکه این واژه و معادل‌های آن از چه زمانی میان انسانها کاربرد داشته است چیزی نمی‌دانیم اما بی‌تردید از زمانی که انسانها دریافته‌اند رفتگان آنها هرگز باز نمی‌گردند سوگ و سوگواری را تجربه کرده و این واژه‌ها را به کار برده‌اند.